

ORIGINAL ARTICLE**Factors Affecting the Effectiveness of the “Fifth Cultural, Social, and Economic Development Program Strategies” in Rural Areas (Case Study: Nazarabad Township, Alborz Province)****Zahra Jahan¹, Farhad Azizpour² , Alireza Estelaji³**

1. Ph.D. Student in Geography and Rural Planning, Department of Geography, Faculty of Literature and Human Sciences, Islamic Azad University (Tehran Markaz), Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran.

3. Professor, Department of Geography, Islamic Azad University, Yadgar Imam Khomeini Branch, Shahr Ray, Tehran, Iran.

Correspondence

Farhad Azizpour

Email: azizpourf@yahoo.com

Received: 21/Jun/2023

Accepted: 11/Sep/2023

How to cite

Jahan, Z.; Azizpour, F.; Estelaji, A. (2024). Factors Affecting the Effectiveness of the “Fifth Cultural, Social, and Economic Development Program Strategies” in Rural Areas (Case Study: Nazarabad Township, Alborz Province), *Physical Social Planning*, 9 (1), 33, 1-12.
(DOI: [10.30473/PSP.2024.68336.2681](https://doi.org/10.30473/PSP.2024.68336.2681))

ABSTRACT

The effectiveness of the country's cultural, social and economic program strategies in the development of rural areas is affected by the internal and external factors of these areas. The present research has been conducted with the aim of identifying the effective factors on the effectiveness of the strategies of the fifth plan in the development of the villages of Nazarabad township. The current research is qualitative in terms of methodology and developmental-applicative in terms of purpose. A semi-structured interview has been used to collect information and data. The participants in the research were two groups of experts from rural areas and experts from related executive bodies. The sampling used was purposeful sampling until theoretical saturation was reached, and finally 25 interviews were conducted with rural experts and executive bodies. A grounded theory approach has been used to analyze the data. According to the findings of the research, it has been concluded that the effectiveness of the strategies of the fifth development program, such as providing new services and preparing a priority plan for rural services, according to regional and local conditions; Organizing and establishing small and medium-sized production and service entrepreneurship and employment-generating activities in rural areas by providing financial and credit incentives, improving, renovating, reconstructing and securing the physical structure of the environment and rural housing based on the Islamic-Iranian architectural model with the participation of the people, the government and public institutions etc rural development has been influenced by internal and external factors. The supply and welfare system of the local community, strengthening of vital infrastructure, institutional-management capacity building, efficient monitoring and evaluation system, employment of expert manpower, promotion of social capital, coordination in the political and social structure of the established governments are among the factors that by analyzing the role of these factors in other rural areas, the policy making system can act in future development plans in a way to increase the effectiveness of the adopted strategies.

KEYWORDS

Development Strategies, Fifth Plan, Effectiveness, Rural Areas, Nazarabad Township.



«مقاله پژوهشی»

عوامل مؤثر بر کارآمدی راهبردهای برنامه پنجم فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در توسعه نواحی روستایی
مورد مطالعه: شهرستان نظرآباد (استان البرز)زهرا جهان^۱، فرهاد عزیزپور^۲ ID، علیرضا استعلاجی^۳

چکیده

کارآمدی راهبردهای برنامه‌های، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور در توسعه نواحی روستایی متأثر از عوامل درونی و بیرونی این نواحی است. این تحقیق که با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر کارآمدی راهبردهای برنامه پنجم در توسعه روستاهای شهرستان نظرآباد انجام گرفته، از جنبه روش شناسی کیفی و از نظر هدف توسعه‌ای-کاربردی است. برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شده است. مشارکت کنندگان در پژوهش دو گروه خبرگان ناحیه روستایی و خبرگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط بودند. نمونه‌گیری مورد استفاده، نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری بود که نهایتاً ۲۵ مصاحبه از خبرگان روستایی و دستگاه‌های اجرایی انجام گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از رویکرد تئوری زمینه‌ای استفاده شده است. مبتنی بر یافته‌های پژوهش، این نتیجه حاصل شده است که اثربخشی راهبردهای برنامه پنجم توسعه مانند ارائه خدمات نوین و تهیه برنامه اولویت‌بندی خدمات روستایی با توجه به شرایط منطقه‌ای و محلی؛ ساماندهی و استقرار فعالیت‌های کارآفرینی و اشتغال‌زای کوچک و متوسط تولیدی و خدماتی در مناطق روستایی از طریق ارائه مشوق‌های مالی و اعتباری، بهسازی، نوسازی، بازسازی و ایمن‌سازی ساختار کالبدی محیط و مسکن روستایی مبتنی بر الگوی معماری اسلامی - ایرانی با مشارکت مردم، دولت و نهادهای عمومی و ... بر توسعه روستایی تحت تأثیر عواملی که ماهیت درونی و بیرونی دارند، قرار گرفته است. نظام تامین و رفاه اجتماع محلی، تقویت زیر ساخت‌های حیاتی، ظرفیت‌سازی نهادی-مدیریتی، نظام پایش و ارزشیابی کارآمد، بکارگیری نیروی انسانی متخصص، ارتقاء سرمایه اجتماعی، هماهنگی در ساختار سیاسی و اجتماعی دولت‌های کارآمد از جمله عواملی هستند که نظام سیاستگذاری با تحلیل نقش این عوامل در عرصه‌های روستایی دیگر می‌تواند در برنامه‌های آتی توسعه به نحوی عمل نماید تا اثربخشی راهبردهای اتخاذ شده افزایش یابد.

واژه‌های کلیدی

راهبردهای توسعه، برنامه پنجم، اثربخشی، نواحی روستایی، شهرستان نظرآباد.

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
۳. استاد گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: فرهاد عزیزپور
azizpourf@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱

استناد به این مقاله:

جهان، زهرا؛ عزیزپور، فرهاد؛ استعلاجی، علیرضا (۱۴۰۳). عوامل مؤثر بر کارآمدی راهبردهای برنامه پنجم فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در توسعه نواحی روستایی مورد مطالعه شهرستان نظرآباد (استان البرز)، فصلنامه علمی برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، ۹ (۱)، ۳۳-۱۲.

(DOI: 10.30473/PSP.2024.68336.2681)



مقدمه

امروزه روستاها با توجه به نقش مهمی که در نظام تولید و اشتغال کشور دارند و همچنین سکونت تعداد قابل توجهی از جمعیت در خود، نظام برنامه ریزی کشور جایگاه ویژه‌ای به آن داده است. به نحوی که، تأکید دارند آن‌ها از اجزا اصلی توسعه ملی به شمار می‌آیند (سعیدی: ۱۳۸۸: ۴۸). توسعه این نواحی در برنامه‌های سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران و محققان، نیازمند مطالعات آینده‌نگر، تدوین راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای مناسب است (Torre and Wallet, 2016: 2). اندیشه توسعه یکپارچه روستایی یکی از رویکردهایی است که می‌تواند به کنشگران نظام برنامه ریزی در تدوین برنامه‌ها یاری رساند.

توسعه یکپارچه روستایی بر این اصل استوار است که سکونتگاه‌های روستایی همانند تمام پدیده‌ها و واحدهای مکانی - فضایی در واقع نظام‌هایی هستند که اجزای آن با یکدیگر در کنش متقابل بوده و هر گونه تغییر در یک جزء به سایر اجزاء منتقل می‌شود. بنابراین، اجزای گوناگون باید به گونه‌ای هماهنگ و هم‌نوا در جهت اهداف نظام عمل کنند. (سعیدی، ۱۳۷۶). اگر جزء یا بخشی از نظام، تحت تأثیر نیروهای فعال شود، اما با سایر اجزا یا بخش‌ها همسو و هماهنگ نباشد، عملکرد نظام مطلوب نخواهد بود. از این رو، رویکرد توسعه یکپارچه روستایی بر هماهنگ‌سازی تمام جنبه‌های زندگی و بهره‌گیری از منابع انسانی و محیطی تأکید می‌کند (جهان و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۴). طبق این راهبرد رسیدن به توسعه روستایی به گونه‌ای که فقر و محرومیت در این جامعه از بین برود، نیازمند نگرش یکپارچه به توسعه، تدوین و اجرای برنامه‌های همه جانبه نگر است. برنامه‌هایی که ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، کالبدی، زیست محیطی، نیازها و قابلیت‌ها را به صورت یکجا مورد توجه قرار دهد (جمعه‌پور، ۱۳۸۴: ۱۰).

از جمله این برنامه‌ها می‌توان به برنامه‌های پنج ساله توسعه اجتماعی - اقتصادی اشاره کرد که برای سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ تهیه شد. این برنامه با بررسی تحولات جامعه روستایی کشور طی ادوار گذشته نشان داد که سکونتگاه‌های روستایی در ابعاد مختلف از سطح ملی تا محلی با مسائل اساسی روبه‌رو هستند. تشدید نابرابریهای منطقه‌ای، تخلیه گسترده آبادی‌ها از نیروی کارآمد و سرمایه مادی، کاهش روزافزون محصولات کشاورزی، انباشت جمعیت در نواحی شهری، گسترش فضاهای زیست غیررسمی، بیکاری و آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی مسائل کلیدی و بعضاً عدم قطعیت‌هایی هستند که ضمن اثرگذاری بر ساختار کلان کشور، اثر شگرفی بر جامعه روستایی داشتند (ملکی‌فر، ۱۳۸۵). در مواجهه با این شرایط، برنامه پنجم کشور در پی ایجاد تحول در توسعه و دستیابی به شرایط مطلوب زیستی در نظام سکونتگاهی، تلاش کرده است به گونه‌ای عمل کند که با بکارگیری راهبردهای مطلوب توسعه در قالب مجموعه‌ای از سیاست‌ها

و برنامه‌ها زمینه را برای بهبود وضعیت سکونتگاه‌های روستایی فراهم نماید. نظام برنامه‌ریزی کشور در تدوین اسناد توسعه‌ای از جمله برنامه پنجم متأثر از تحولات فکری جهان (تعدیل اقتصادی، توسعه پایدار و نهاد گرایی)، راهبردهای مختلف را مورد توجه قرار داده است. (امانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۳). این راهبردها (از جمله ارائه خدمات نوین و تهیه برنامه اولویت‌بندی خدمات روستایی با توجه به شرایط منطقه‌ای و محلی؛ ساماندهی و استقرار فعالیت‌های کارآفرینی و اشتغال‌زایی کوچک و متوسط تولید و خدمات در مناطق روستایی از طریق ارائه مشوق‌های مالی و اعتباری؛ بهسازی، نوسازی، بازسازی و ایمن‌سازی ساختار کالبدی محیط و مسکن روستایی مبتنی بر الگوی معماری اسلامی - ایرانی با مشارکت مردم، دولت و نهادهای عمومی و ...) اگرچه از چارچوب مفهومی خاص خود برخوردار هستند؛ اما در تدوین اسناد توسعه‌چندان مورد توجه قرار نگرفتند. در فرآیند اجرای برنامه پنجم متأثر از مؤلفه‌هایی چون عدالت اجتماعی، محرومیت‌زدایی و... دولت اقداماتی را در روستاهای کشور از جمله روستاهای شهرستان نظرآباد به اجرا در آورد. این شهرستان با ۵۸۶ کیلومتر مربع مساحت یکی از شهرستان‌های استان البرز است که در نزدیکی شهرستان ساوجبلاغ در غرب استان قرار دارد (شکل ۱). از تعداد ۸۰ روستا، ۶۴ روستا دارای سکنه و ۱۶ روستا خالی از سکنه هستند. اقدامات اجرایی در شهرستان با ماهیت زیست محیطی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و کالبدی - فضایی، تنها دارای دستاورد ها و اثراتی مناسب در ابعاد زیست محیطی و کالبدی - فضایی بودند. ارتقاء خدمات محیطی، ارتقاء کیفیت محیط زیست، حفاظت از میراث فرهنگی، ارتقای سرمایه اجتماعی، ظرفیت‌سازی نهادی، رفاه اجتماع محلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، عدالت اقتصادی و ثبات اقتصادی مؤلفه‌هایی هستند که تحول‌چندانی پیدا نکردند (جهان و همکاران، ۱۴۰۰). این نتایج، متأثر از عواملی است که بر نحوه اثرگذاری راهبردها بر توسعه روستاهای شهرستان نظر آباد ایفا نقش کرده‌اند. مسئله‌ای که این پژوهش بدنبال کشف آن است. بر این اساس، این تحقیق بدنبال پاسخ به سوال زیر است.

عوامل مؤثر بر نحوه اثربخشی راهبردهای برنامه پنجم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر توسعه روستاهای شهرستان نظرآباد کدامند؟

اثربخشی راهبردها برای تحقق توسعه متأثر از اندیشه‌های مختلف است. توسعه زیرساخت‌های اجتماعی، توسعه یکپارچه روستایی، معیشت پایدار، توسعه اقتصاد محلی و توسعه پایدار از رویکردهای هنجاری هستند که ضمن ارایه الگوی مناسب برای توسعه مبتنی بر راهبردهای مشخص بر روی مؤلفه‌هایی تأکید دارند که توجه به آن‌ها می‌تواند بر روی اثربخشی راهبردها مؤثر باشند (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲). قدرت انتخاب مردم و توانمند کردن آن‌ها، توسعه مشارکت روستاییان، توسعه

فرصت‌های برابر روستایی، سطح دانش و انگیزش از جمله این عوامل هستند (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹ و افزاخته، ۱۳۸۷). البته، برنامه ریزان پساساختارگرا و پست مدرن بر نقش قدرت، فرهنگ، نهادها و هویت نیز تأکید دارند.

در ارتباط با برنامه پنجم توسعه، مطالعات زیادی انجام شده است، از آن جمله می‌توان به تحقیق مومنی و امینی (۱۳۹۰) تحت عنوان کیفیت زندگی و توسعه پایدار در برنامه های توسعه ایران با رویکرد آمار تیاسن اشاره کرد. آنها به این نتیجه رسیدند که در شرایط فعلی کشور عامل اقتصادی و اجتماعی مؤثرترین عامل در مسیر توسعه است و متغیرهای مرتبط با آن که برخی ماهیت اجتماعی و محیطی دارند باید تقویت شوند. این امر مستلزم وجود نگرش معطوف به توسعه پایدار در میان دست اندر کاران برنامه های توسعه است. شقاقی شهری (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای تحت عنوان ارزیابی برنامه های ۵ ساله توسعه کشور از منظر تحقق اهداف اقتصادی سند چشم انداز به این نتیجه رسیده است که در محورهای اصلی تولید و رفاه بهترین عملکرد را برنامه اول؛ در شاخص‌های مالی قیمت‌ها، کنترل تورم، بازار کار اشتغال و بهره‌وری بهترین عملکرد را برنامه سوم توسعه؛ در محور جهانی شدن اقتصاد، پیوندهای تجاری و سیاست‌های بخش تجارت خارجی را برنامه سوم و در تحقق عدالت و فقرزدایی، بهترین وضعیت را برنامه چهارم داشته است. همچنین، در زمینه کوچک سازی و متناسب سازی اندازه دولت و توسعه بخش خصوصی و غیر دولتی، بهترین وضعیت در برنامه اول محقق شده است.

حسینی نژاد و اقتصاددانان (۱۳۹۸)، در مطالعه‌ای تحت عنوان ارزیابی عملکرد برنامه‌های توسعه در کاهش فقر با استفاده از روش سلطه تصادفی به این نتیجه رسیده‌اند که سیاست‌های کاهش فقر به صورت یک برنامه راهبردی و پایدار طی برنامه های توسعه‌ای به کار گرفته نشده است و طبق تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در هیچ یک از مناطق ۹ گانه جغرافیایی مورد نظر این مطالعه یعنی جوامع شهری و روستایی شاهد کاهش پایدار فقر طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۰ نیستیم. صادقی و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که نابرابری تولید سرانه در استان‌های کشور در برنامه سوم توسعه روند رو به افزایش داشته است. ولی با آغاز برنامه چهارم توسعه نابرابری استان‌ها کاهش یافته است. امانی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود تأکید داشتند؛ در برنامه ششم متأثر از تفکر برنامه‌ریزی نوگرا نظام سیاستگذاری مبتنی بر عقلانیت ابزاری و نخبه گرایی نسخه‌ای از برنامه‌ریزی فرانوکرا را پایه ریزی کرده است که در عمل هویت خود را از دست داده است و بیشتر جنبه شعارگونه پیدا کرده است. به عبارتی، نظام برنامه‌ریزی کشور (در تدوین سیاست‌های توسعه روستایی) در حوزه مفهومی، مرزبندی پارادایمیک را مورد توجه قرار نداده و در برزخ برنامه‌ریزی نوگرا و فرانوکرا گرفتار شده است. غلام حیدر ابراهیم بای

سلامی (۱۳۸۸)، نصیری و عابدینی راد (۱۳۹۰) و سعیدی و رستگار (۱۳۸۸) نیز مطالعاتی در خصوص برنامه های توسعه انجام داده و به نتایج مشابهی دست یافته اند. در تحقیقات انجام شده به‌ویژه تحقیقاتی که بر عوامل مؤثر بر اثربخشی تأکیدی داشتند، به برخی از عوامل تأکید شده است. این در حالی است که برخی از عوامل متأثر از شرایط منطقه ای و محلی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، این تحقیق تلاش دارد این عوامل را با نگاهی تفهیمی (در مقابل نگاه تحصیلی) کشف کند.

داده ها و روش کار

روش شناسی کیفی، به‌عنوان یکی از سه گانه روش شناسی (کمی، کیفی و آمیخته) در این مقاله مورد استفاده قرار گرفت. در چارچوب این روش شناسی با هدف کشف عوامل مؤثر بر اثربخشی راهبردهای برنامه پنجم بر توسعه روستاها از رویکرد داده بنیاد (گرند تئوری) استفاده شد. مشارکت کنندگان تحقیق، خبرگان روستایی و کارشناسان اجرایی ساکن و شاغل در شهرستان هستند که با اشباع نظری تعداد آن‌ها به ۲۵ نفر رسید. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد (جدول ۱).

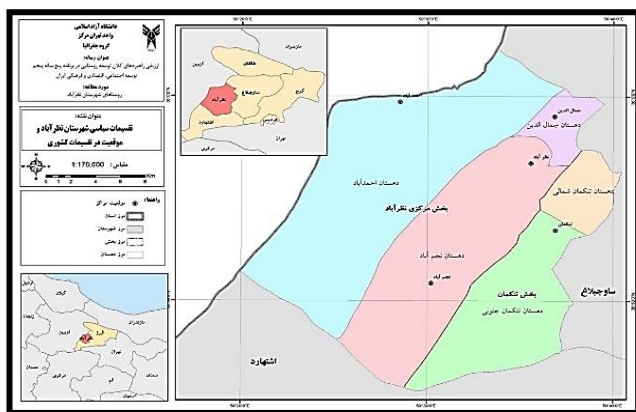
جدول ۱. مشارکت کنندگان در پژوهش

نام با ذکر کد	مدرک	شغل	ارگان
مصاحبه شونده کد ۱	دیپلم	معلم	آموزش و پرورش
مصاحبه شونده کد ۲	فوق لیسانس	نقشه کشی	بخشداری
مصاحبه شونده کد ۳	دیپلم	شورا	دهیاری
مصاحبه شونده کد ۴	لیسانس	کارشناس	بخشداری
مصاحبه شونده کد ۵	دانشجوی دکتری	بخشدار	بخشداری
مصاحبه شونده کد ۶	دیپلم	دهیار	دهیاری
مصاحبه شونده کد ۷	لیسانس	بنگاه املاک	آزاد
مصاحبه شونده کد ۸	فوق لیسانس	حسابدار	بخشداری
مصاحبه شونده کد ۹	سیکل	کشاورز	آزاد
مصاحبه شونده کد ۱۰	دیپلم	شورا	دهیاری
مصاحبه شونده کد ۱۱	فوق لیسانس	کارشناس	فرمانداری
مصاحبه شونده کد ۱۲	فوق لیسانس	روان شناس	فرمانداری
مصاحبه شونده کد ۱۳	دیپلم	دهیار	دهیاری
مصاحبه شونده کد ۱۴	دیپلم	کشاورز	آزاد
مصاحبه شونده کد ۱۵	لیسانس	کارمند	دهیاری
مصاحبه شونده کد ۱۶	ابتدایی	کشاورزی	آزاد
مصاحبه شونده کد ۱۷	لیسانس	کارمند	بخشداری
مصاحبه شونده کد ۱۸	لیسانس	کارمند	بخشداری

محوری را به شکل نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌کند (جدول ۲).

در این پژوهش، برای اعتبارپذیری نتایج تحقیق، از روش گوبا و لینکلن استفاده شد.

قلمرو جغرافیایی مورد مطالعه، شهرستان نظرآباد است. این شهرستان بین طول جغرافیایی ۵۰ درجه و ۲۰،۷۸ دقیقه شرقی تا ۵۰ درجه و ۴۰،۹۷ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۴۷،۵۷ دقیقه شمالی تا ۳۶ درجه و ۲۶ دقیقه شمالی قرار دارد. این شهرستان شامل دو شهر به نام‌های نظرآباد و تنکمان و دو بخش تحت عنوان بخش مرکزی (که شامل دهستان‌های احمدآباد، سید جمال‌الدین و نجم‌آباد) و بخش تنکمان (با دو دهستان به نام‌های تنکمان جنوبی و تنکمان شمالی) است.



شکل ۱. موقعیت قلمرو مورد مطالعه

ماخذ: وزارت کشور، ۱۳۹۹.

شرح و تفسیر نتایج

روستا به‌عنوان یک سکونتگاه انسانی جلوه‌بارزی از حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که با زندگی انسانی بر روی این کره خاکی قرین بوده و است. حفظ و تداوم روستا و روستانشینی نقش اساسی بر تداوم حیات طبیعی و اجتماعی، اقتصادی انسان امروزی دارد (مخبر، ۱۳۷۸: ۲۱). لذا، توجه به روستا و توسعه روستایی در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشوری می‌تواند نقش بسیار اساسی در راستای نیل به توسعه ایفا کند. در این راستا، در تدوین برنامه‌های توسعه باید تلاش گردد با انتخاب بهترین راه‌ها، مناسبترین تصمیم‌گیری‌ها برای حل چالش‌های روستایی در راستای توسعه روستایی اتخاذ شود. دستیابی به این هدف، نیازمند انعکاس نیازهای جامعه روستایی در برنامه‌های توسعه در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و کالبدی است.

کارآمدی راهبردهای توسعه برنامه پنجم در حل چالش‌های روستایی به یک عامل وابسته نیست، بلکه از عوامل گوناگونی تأثیر

مصاحبه شونده کد ۱۹	دیپلم	دامدار	آزاد
مصاحبه شونده کد ۲۰	دیپلم	مصنوعات چوبی	آزاد
مصاحبه شونده کد ۲۱	دیپلم	پرورش ماهی	آزاد
مصاحبه شونده کد ۲۲	دیپلم	رستوران	آزاد
مصاحبه شونده کد ۲۳	سیکل	قالیباغ	آزاد
مصاحبه شونده کد ۲۴	لیسانس	کارمند	دهیاری
مصاحبه شونده کد ۲۵	لیسانس	کارمند	دهیاری

گروه تحقیق با توجه به ماهیت روش شناسی از فن مصاحبه نیمه ساختمند برای جمع‌آوری داده‌های و اطلاعات و از کدگذاری باز، محوری و گزینشی و نرم افزار اتلس تی آی برای تحلیل استفاده کرد. با توجه به فرایند پژوهش‌های کیفی، بعد از انجام مصاحبه نیمه ساختمند، مصاحبه‌های ضبط شده پیاده‌سازی شد. در ادامه، متن در سه مرحله به شرح زیر کدگذاری شد:

مرحله اول: استخراج داده‌های معنایی (کدگذاری باز)؛

کدگذاری باز اولین مرحله در تجزیه و تحلیل داده‌ها است. در این مرحله، به‌طور کلی ۸۲ مفهوم از متون مصاحبه استخراج گردید که بر کارآمدی راهبردهای توسعه در حل چالش‌های روستایی تأثیرگذار هستند. در این مرحله، کدهای اولیه به علت تعداد فراوان آن‌ها به کدهای ثانویه تبدیل شده است. چند کد اولیه به یک کد مفهومی ثانویه تبدیل می‌شود (کدهای اولیه در طبقه‌های مشابه قرار می‌گیرند).

مرحله دوم: استخراج مقوله‌ها و مضامین اصلی (کدگذاری محوری)؛ در کدگذاری محوری، طبقه‌بندی اصلی داده‌ها انجام‌شد و تلاش گردید تا کدها به یکدیگر ارتباط داده شوند. لازمه این مرحله مقایسه دائمی داده‌ها است. کدها و دسته‌های اولیه‌ای - و ثانویه‌ای - که در کدگذاری باز ایجاد شده‌اند با یکدیگر مقایسه می‌شوند و ضمن ادغام کدهایی که به لحاظ مفهومی با یکدیگر مشابه هستند، دسته‌هایی که به یکدیگر مربوط می‌شوند، حول محور مشترکی قرار می‌گیرند. در این مرحله با استفاده از مفاهیم اولیه - و ثانویه - مرحله قبل اقدام به استخراج مقوله‌ها و مضامین اصلی شد. بدین معنی که، این مفاهیم در واحدهای اطلاعاتی بزرگ‌تری به نام مقوله‌های محوری طبقه‌بندی شده‌اند. این مقوله‌ها، نشان‌دهنده ابعاد مختلف پدیده بوده و ارائه توضیحات متنی مرحله بعد را آسان‌تر می‌سازد.

مرحله سوم: کدگذاری گزینشی.

کدگذاری گزینشی عبارت است از فرآیند انتخاب دسته بندی اصلی، مرتبط کردن نظام‌مند آن با دیگر دسته بندی‌ها، تأیید اعتبار این روابط، و تکمیل دسته بندی‌هایی که نیاز به اصلاح و توسعه بیشتری دارند. کدگذاری گزینشی بر اساس نتایج کدگذاری باز و کدگذاری محوری، مرحله اصلی نظریه پردازی است. به این ترتیب که مقوله

می‌پذیرد. به طور مثال، تنوع‌سازی اقتصادی که می‌تواند به توسعه اقتصادی منجر شود، بر دسترسی به اشتغال و درآمد تأکید دارد. یا رشد اجتماعی که به توسعه اجتماعی منجر می‌گردد، ممکن است بر مشارکت، اعتماد، دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی، امنیت و

حس تعلق مکانی تأکید کند. بر اساس یافته‌های حاصل از پژوهش ۸۲ مفهوم (جدول ۲)، ۷ مقوله محوری و ۱ مقوله گزینشی (جدول ۳) از متون مصاحبه استخراج گردید که بر کارآمدی راهبردهای توسعه در حل چالش‌های روستایی تأثیرگذار هستند.

جدول ۲. واحدهای معنایی استخراج شده از مصاحبه‌ها

ردیف	واحد معنایی (کدهای ثانویه)	شاهد مثال (مفهوم اولیه)
۱	آگاهی بخشی	باید آگاهی داشته باشند و بدونند میخوان چیکار کنند، باید برنامه‌ریزان مدام بروز بشوند و آموزش ببینند، باید بدونه کجا میخواند چیکار کنه
۲	متخصص	تطابق رشته با کاری که انجام میدهند، استفاده از نیروی تحصیل کرده، بکارگیری افراد متخصص در تصمیمات، باید علم این کارها رو داشته باشند، وقتی داره برای کار برنامه ریزی می کنه باید یک اقتصاددان هم باشه، باید نیروی شایسته در بدنه دولت بیاد.
۳	مسئولیت پذیری	مسئولیت کارهاش رو بپذیره، در برابر کارهاش پاسخگو باشه، گردن گرفتن کارها
۴	مدیریت کارا	برای دوران کرونا گفتن ضدعفونی روستارو انجام بدیم این یعنی مدیر باید کارامد بشه، تشخیص درست موانع توسط مدیران، باید مدیریتشون درست باشه، حضور مدیران شایسته در لایه های پایین، طرحهایی که اجرا می کنند درست مدیریت شود، به مدیر توانمند نیاز داریم، وظایف مدیرهای مختلف قاطی نشه، تقویت مدیران لایه های پایین.
۵	فعال شدن دیپلماسی زیست محیطی	توانمند ساختن سیاست های کنترل محیط زیست، تقویت باورهای روستاییان برای حفاظت از محیط زیست تمیز، نگه داشتن محیط روستا، ترغیب کردن بخش خصوصی برای حل مشکلات محیط زیست، ارزیابی محیط زیستی پروژه ها، جلوگیری از اثرگذاری برنامه ها بر محیط زیست روستاها، جلوگیری از بهره برداری بی رویه از محیط، تقویت پایه های مالیاتی محیط زیست.
۶	سیستم صحیح دفع زباله و پسماند	باید فاضلابها درست جمع آوری شوند، باید زباله ها درست جمع آوری شوند، توجه به بهداشت محیط روستایی، برنامه ریزی صحیح برای جمع آوری فضولات حیوانی.
۷	ثبات نیرو و مدیریت با تغییر دولت	با تغییر دولت مدیریت سریع تغییر نکند، دولت که عوض شد کارشناسان رو با شتاب عوض نکنند، سریع تعدیل نیرو نکنند، با عوض شدن دولت مدیرا تند تند عوض نشوند.
۸	های سیاست روشن و تغییرناپذیر برنامه توسعه از شروع تا پایان	موارد تصویب شده در برنامه های توسعه با تغییر دولت تغییر نکند، تداوم طرح های فعلی با روی کار آمدن دولت جدید.
۹	اشتغال پایدار و افزایش درآمد	باید کارآفرینی کنند، باید به فکر کم کردن بیکاری جوانها باشند، باید درآمدزایی بشه، زدن پمپ بنزین میتونست برای تنکمان منبع درآمد بشه، باید در روستاهای توانمند سرمایه گذاری کنند، توسعه گردشگری میتونه به ایجاد شغل کمک بکنه، در ایجاد شغل به پتانسیل های روستاها توجه کنند، طرح ها باید باعث افزایش درآمد بشه، راه اندازی کسب و کارهای کوچک، استفاده از فرصتهای اقتصادی روستاها، باید کاری کرد روستاها برای خودشون درآمد داشته باشند و وابسته به دولت نباشند، جاده ها رو اسفالت کردند ول نکند برونه باید از اون حفاظت کنند، راهها را که درست می کنند باید به چگونگی نگهداری آن توجه کنند، به امنیت راهها توجه بشه.
۱۱	ارائه خدمات رفاهی	ایجاد مکان های خوب برای گذران اوقات فراغت، مردم شاد باشند، امکانات شادی مردم رو فرا فراهم کنند، پارک یا فضای بازی برای کودکان ایجاد کنند.
۱۲	تامین نیازهای اساسی	خانه بهداشت با کیفیت احداث کنند، روستاییان از آموزش عادلانه برخوردار شوند، برای روستاییان بیمه بازنشستگی تعریف کنند، معیشت روستاییان تامین شود.
۱۳	مشارکت مردمی	مردم در اجرای طرح ها مشارکت داشته باشند، مدیران محلی در روند تهیه طرح ها و برنامه ها برای روستا مشارکت کنند، تمرکززدایی و برنامه ریزی از پایین به بالا، واگذاری برخی از امور به مردم، مشخص شدن محورهای مشارکت روستاییان در برنامه ها، مشخص کردن سازوکارهای مشارکت بخش خصوصی در حفاظت از زیرساختها، هماهنگی مدیران محلی و برنامه ریزان، مشخص شدن سازوکارهای مشارکت در تدوین برنامه ها.

۱۴	اعتماد به مردم و بخش خصوصی	جلب اعتماد روستاییان نسبت به اجرای طرح‌ها، باید به بخش خصوصی اعتماد کنند و مثلاً در سرمایه‌گذاری، باید به بخش خصوصی و مردم بهاء بدهند.
۱۵	هزینه صحیح منابع مالی - اعتباری	اعتبار میدن اما بلد نیستند که چطور هزینه کنند، هزینه‌های پرت زیاده، برای پولی که دولت می‌ده نمی‌توند درست برنامه ریزی کنند، باید پولی را که میاد بدانند چطور خرج کنند، در زمان برنامه پنجم پول زیاد دادند اما نفهمیدند که چطور خرج کنند.
۱۶	نظارت کارا	باید نظارت روی کارها بهتر بشه، باید کارهای انجام شده را پیگیری کنند، یک نفر ناظر اگر باشه میتونه دقیق احتیاجای روستارو بگه، اگر بر انجام طرح‌ها و برنامه نظارت باشه، هرج و مرج کمتر میشه، باید به اجرای قوانین نظارت کنند.

• نظام تأمین و رفاه اجتماع محلی

در سیاست‌های برنامه پنجم، با توجه به افزایش نابرابری‌های درآمدی، گسترش حاشیه‌نشینی و کمبودهای گسترده در زمینه خدمات رفاهی، توسعه امور رفاه اجتماعی به عنوان یکی از اصول برنامه مورد تأکید قرار گرفته است. به طوری که ارتقاء هر چه بیشتر سطح رفاه جامعه، توزیع عادلانه‌تر درآمد و توجه خاص به وضعیت رفاه گروه‌های کم‌درآمد در اولویت اهداف برنامه پنجم قرار گرفت (امیدی، ۱۳۹۱: ۱۱۶). بنابراین ارتقای سطح رفاه اجتماعی یکی از عوامل تأثیرگذار بر کارآمدی راهبردهای برنامه‌های توسعه در حل چالش‌های روستایی است. در طول برنامه پنجم توسعه دولت در قالب طرح‌ها و پروژه‌ها در زمینه‌های مختلفی نظیر مسکن قابل اسطاعت، امنیت عمومی، راه، آب، گاز، برق، پوشش مناسب معابر و راه ارتباطی اقدامات بزرگی در روستاها انجام داده است. ولی، اقدامات انجام شده نابرابری‌های درآمدی و کمبودهای خدمات رفاهی در نواحی روستایی را به طور شایسته برطرف نکرده است. در این ارتباط، مشارکت کننده ۴۵ ساله‌ای از روستاهای بخش مرکزی در این زمینه چنین اظهار داشت:

«...اون موقع وام دهی خیلی خوب بود...مردم با وامی که دولت داده بود خونه‌ها و بافت قدیمیشو ترمیم و بازسازی کردن. دولت راه هارو درست کرد. رفت و اومد ما بهتر شد...استهلاک ماشینامون کمتر شد. با جاده‌های خراب ما هر روز باید خرج ماشینامون می‌کردیم. خونه‌ها مقاوم شد. ضد زلزله شد. مدارس و ساختن حداقل دیگه به شهر نمی‌ریم به روستای نزدیک خودمون می‌ریم. در برابر این خدمات بعضی چیزها رو نصفه ول کردند یا اصلاً انجام نداد، رفاه مردم همش آب و برق و گاز و راه نیست، درسته خیلی مهمه اما همش نیست... به یک چیزی رسیدگی کردن به یک چیزی نه... به چگونه نگهداشتن این راه‌ها توجه نکردند، امکانات شادی و نشاط مردم، سیستم صحیح دفع فاضلاب و یا فصولات حیوانی را جدی نگرفتند. باید به این موضوع توجه بشه ... روستایی آب و برق و گاز دارد. اما، وقتی درآمد لازم رو نداره که رفاه اولیه خانواده را تأمین کند چی؟ امید به زندگی ندارند چی؟ باید مردم را به زندگی در روستا امیدوار کنند. خیلی موارد هست که باید

عوامل کشف شده در سه دسته عوامل گروه‌بندی شده‌اند: در گروه اول به عوامل پرداخته می‌شود که علت کارآمدی راهبردهای کلان برنامه‌های توسعه در حل چالش‌های روستایی به شمار می‌روند. این مفاهیم عبارت‌اند از هماهنگی در ساختار سیاسی و اجتماعی دولت‌های روی کارآمده، نظام پایش و ارزشیابی کارآمد برای طرح‌ها و پروژه‌ها و تقویت زیرساخت‌های حیاتی است. گروه دوم، مکانیسم‌های فرآیندی شامل ظرفیت‌سازی نهادی - مدیریتی و بکارگیری نیروی انسانی متخصص است. گروه سوم نیز در برگرنده نظام تأمین و رفاه اجتماعی محلی و ارتقاء سرمایه اجتماعی است که در اینجا به تفسیر آن‌ها می‌پردازیم (جدول ۳).

جدول ۳. مقوله‌ها و مضامین اصلی

ردیف	مقوله محوری	واحد معنایی
۱	نظام تأمین و رفاه اجتماع محلی	ارائه خدمات رفاهی، تأمین نیازهای اساسی.
۲	تقویت زیرساخت‌های حیاتی	حفاظت از زیرساخت‌های ارتباطی، اشتغال پایدار و افزایش درآمد، فعال شدن دیپلماسی زیست‌محیطی
۳	ظرفیت‌سازی نهادی - مدیریتی	مسئولیت‌پذیری، مدیریت کارا، سیستم صحیح دفع زباله و پسماند، هزینه صحیح منابع مالی - اعتباری
۴	ارتقای سرمایه اجتماعی	اعتماد به مردم و بخش خصوصی، مشارکت مردمی
۵	هماهنگی در ساختار سیاسی و اجتماعی دولت‌های روی کارآمده	سیاست روشن و تغییر ناپذیر برنامه‌های توسعه از شروع تا پایان، ثبات نیرو و مدیریت با تغییر دولت
۶	بکارگیری نیروی انسانی متخصص	متخصص، آگاهی بخشی
۷	نظام نظارت و ارزشیابی کارآمد	نظارت کارا

منبع: گروه پژوهش، ۱۳۹۹.

در روستاها کار شود. مثل بهداشت خوب، آموزش متناسب با شهرها، بیمه بازستگي...»

با وجود فعاليت‌های عمرانی انجام گرفته، امکانات آموزشی و بهداشتی با کیفیت، شادی، سلامت، تفریح سالم، وجود پارک و امکانات تفریحی، راه‌اندازی دفع صحیح سیستم جمع‌آوری زباله و فضولات حیوانی از جمله مواردی هستند که لازم است در کنار سایر ابعاد توسعه روستایی با توجه به توانمندیهای محیط طبیعی و انسانی در راستای تأمین رفاه اجتماعی مورد توجه جدی قرار گیرد. برای تأمین رفاه اجتماعی باید نگاه تک‌ساختی دولت - توجه به بعد عمرانی - تغییر کند و به دیگر حوزه‌ها نیز توجه لازم شود. توجه به سایر حوزه‌های توسعه، نیازمند تقویت زیرساخت‌های حیاتی است این یافته را مطالعه غفاری و امیدی (۱۳۸۷) تأیید می‌کند.

• تقویت زیرساخت‌های حیاتی

کشورها در هر مرحله از رشد نیازمند به ایجاد و گسترش نوع خاصی از زیرساخت‌ها هستند. بهبود و اصلاح زیرساخت‌ها، استراتژی پایداری است که با بهبود کیفیت زندگی، عرضه کالا و خدمات و فراهم کردن وسایل رفاهی امکان‌پذیر است و نقش مهمی در افزایش استاندارد زندگی و رفاه اجتماع محلی ایفا می‌کند. در واقع، زیرساخت‌ها نشان‌دهنده نسبت روستاهای برخوردار از خدمات عمرانی از جمله بهره‌مندی از آب آشامیدنی، برق‌رسانی، بهسازی مسکن، ایجاد و مرمت راه‌های روستایی، مراکز بهداشتی درمانی، صندوق پستی و غیره هستند. علاوه بر زیرساخت عمومی، فضاهای جغرافیایی نیازمند یکسری زیرساخت‌های حیاتی دیگر مانند حمل و نقل، ارتباطی، جمع‌آوری زباله‌های جامد، پسماندها، اقتصادی-سیاسی هستند. اختلال یا تخریب هر یک از این زیرساخت‌ها موجب تضعیف یا ناتوانی در خدمات بهداشت عمومی، اقتصاد و امنیت ملی می‌شود. متأسفانه، راهبردهای کلان برنامه‌های توسعه فقط به توسعه زیرساخت عمرانی توجه داشته و از توجه به زیرساخت‌های حیاتی همانند حفاظت از زیرساخت‌های حمل‌ونقل و زیرساخت اقتصادی غافل مانده‌اند. مشارکت‌کننده‌ای با تحصیلات دیپلم در این خصوص چنین بیان می‌دارد:

«ملت وقتی توی خاک باشن براشون اولویت اول جاده سازه، سطح خیابون آسفالت بشه بیشتر مهمه تا چیزای دیگه، مردم اول رفت و آمد براشون خیلی مهمه. بعدا به جنبه‌ها دیگه فکر میکنن. ولی یجا هست دم خونه اش آسفالت بشه براش بسه و بیشتر نميخواد... این به این دلیل هست که کشور ما به بحث اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کار نکردن اگر هم کرده باشند زیر ساختی کار نکردن و به عوامل نگه داشتن اون توجه نمی‌کنند. حتی آسفالت که می‌کنند به مدیریت بعدی اون فکر نمی‌کنند... ما نیاز جدی داریم زیرساخت‌های این چنینی را تقویت کنیم...»

زیرساخت‌ها دارای بالاترین قدرت توزیع دهندگی بر سوددهی هستند. ایجاد اشتغال پایدار و افزایش درآمد به عنوان یکی از زیرساخت‌های اقتصادی مطرح است. مادامی که به این موضوع توجه نشود سایر زیرساخت‌ها با اختلال مواجه می‌شود. بنابراین حل چالش‌های روستایی از طریق ایجاد بسترهای لازم برای پایداری اشتغال و افزایش درآمد میسر می‌شود. اشتغال و تغییرات آن ناظر بر بعد درآمد است. همچنین اشتغال موجب نظم بخشی به روابط اجتماعی می‌شود. این در حالی است که طی برنامه پنجم توسعه در خصوص افزایش اشتغال، سیاست مشخصی ارائه نشد و اتکای اشتغال به رشد اقتصادی به عنوان راهبرد اصلی دنبال شد. در خصوص توزیع درآمد در برنامه پنجم توسعه نیز ضریب جینی به ۰/۳۹ افزایش داشته و شواهد قوی دال بر بهبود وضعیت توزیع درآمد مشاهده نمی‌شود (شقایق شهری، ۱۳۹۷: ۲۲۳). مسئله فراهم نشدن بسترهای اشتغال و افزایش درآمد به وضوح در شهرستان نظرآباد قابل مشاهده است. با وجود اینکه موضوع اشتغال پایدار در برنامه‌های توسعه مطرح شده است؛ اما هنوز این مسئله نه تنها در روستاها حل نشده است، بلکه افزایش هم یافته و به ناپایداری روستاها انجامیده است. اشتغال ناپایدار و کمبود درآمد عامل مهمی است که اگر برای آن راه‌حلی پیدا نشود، طرح‌های توسعه روستایی به ثمر نمی‌نشیند.

• ظرفیت‌سازی نهادی - مدیریتی

تمرکز به شیوه‌های مدیریت سنتی سبب گردیده تا به اهمیت ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ساکنان روستاها در زمینه مدیریت توسعه روستایی توجه جدی نشود. این کار ضمن اینکه موفقیت برنامه‌ها را با چالش‌های جدی مواجه ساخته، در عین حال مانع از شکل‌گیری زمینه‌های لازم برای استفاده از قابلیت‌ها و توانایی‌های روستاییان به عنوان ذینفعان اصلی برنامه‌های توسعه گردیده است. بنابراین، ظرفیت‌سازی به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه روستایی در واقع ایجاد فضای قانونی برای تقویت سیستم‌های نهادی - مدیریتی در راستای پایداری عملکردشان، دسترسی مردم به امنیت، اشتغال، درآمد و دیگر نیازهای اصلی است. در زمان اجرای برنامه پنجم توسعه، دولت با سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در ظرفیت‌سازی نهادی - مدیریتی و بهبود طرح‌ها و پروژه‌های خود در رسیدن به اهداف از کارآمدی ناچیزی برخوردار بود. به طوری که، در حال حاضر مدیران محلی و نهادهای مدنی نقش آفرینی کمتری را در حل چالش‌های روستایی برای خود قایل هستند. در این خصوص مشارکت‌کننده‌ای که خود را دهیار معرفی می‌کند، چنین اظهار می‌دارد:

«مدیران محلی ما مثل شوراها اطلاعات و آگاهی کافی از چگونگی مدیریت ندارند، آن‌ها باید آموزش ببینند و یکسری مهارت‌ها را یاد بگیرند؛ باید یاد بگیرند چیکار کنند که مردم به ماندن در روستا تشویق شوند. مدیر یک روستا باید بدونه دنبال چه کارهایی برود تا زندگی مردم

«... وقتی ما در نیروی انسانی مشکل داریم، یعنی زیرساخت‌های فکری ما مشکل دارد. مثلاً داریم برای بخش اقتصادی برنامه ریزی می‌کنیم؛ اما سازمان مدیریت و برنامه ریزی به عنوان مغز برنامه ریزی کشوری در تدوین برنامه های توسعه نمی تواند از توانایی متفکران اقتصادی تمام نواحی کشور استفاده کند... در پایان کار نیز هر شخص نظر خودش را اعمال می‌کند... مهم‌ترین چرخ هر مملکت و سرزمینی توسط نیروی کارآمد می‌چرخد. نیروی که باعث سرمایه گذاری می‌شود، باعث بکار گرفتن ظرفیتهای و بالفعل شدن استعدادهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و طبیعی می‌شود؛ باید بکارگیری شوند...»
وی همچنین عقیده دارد:

«... باید در کاری که انجام می‌دهند تخصص داشته باشند. یعنی تطابق رشته با کاری که انجام می‌دهند...»

نیروی انسانی متخصص یکی از موضوعات بسیار مهم در پیشبرد اهداف و ارتقای بهره‌وری نظام برنامه‌ریزی توسعه محسوب می‌شود. صاحب‌نظران عقیده دارند که در یک نظام، نیروی انسانی متخصص بیش از سایر عوامل در شالوده‌سازی، نگهداری و گسترش سطح عملکرد برنامه ها و طرح‌ها نقش دارد. لذا سرمایه‌گذاری در حوزه‌های شناخت استعدادها، انتخاب و به کارگیری نیروهای انسانی متخصص و شایسته در طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه امری ضروری است.

• ارتقاء سرمایه اجتماعی

یکی از عوامل مؤثر بر کارایی راهبردهای برنامه توسعه برای حل چالش‌های روستایی در کنار سرمایه اقتصادی و انسانی، سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی به عنوان مکمل سرمایه های طبیعی و انسانی به واسطه ارتباطش با مفاهیمی بنیادین اجتماعی شامل آگاهی، انسجام، اعتماد، مشارکت، جامعه مدنی و شبکه‌های ارتباطات در حل چالش‌های روستایی مورد تأکید است. بدون توجه به سرمایه اجتماعی سایر سرمایه‌ها - اقتصادی، فیزیکی و انسانی - اثربخشی خود را از دست می‌دهند. به گونه‌ای که، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل دشوار می‌شود. مشارکت‌کننده‌ای که خود را دهیار معرفی می‌کند، در این زمینه، چنین بیان می‌دارد:

«... نه الان نه در سالهای ۹۰ الی ۹۴ مشارکت به معنای واقعی وجود نداشته و ندارد. چون مردم در هیچ طرح و پروژه‌ای مشارکت نمی‌کنند. به نظام برنامه ریزی توسعه نیز اعتماد ندارد و اطمینان ندارند که مشکلات آن‌ها حل می‌شود... این در حالی است که جلب اعتماد روستاییان نسبت به طرح‌ها و پروژه‌های برنامه‌ها خیلی مهم است. اگر روستاییان به این طرح‌ها اعتماد نکنند، اطمینان نکنند که اجرای این طرح‌ها به خیر و صلاحشون هست، هیچ مشارکتی در هیچ برنامه‌ای نمی‌کنند، بلکه مخالفت هم می‌کنند. از این نظر بهتر است که در حین

رو به بهتر شدن پیش برود... البته، برای این مسئله دولت هم باید کمک کند، کلاس‌های لازم را فراهم کند، منابع مالی را بالا ببرد، افراد تحصیلکرده متخصص را استفاده کند ... باید مشارکت محلی نهادینه شود و الا هر طرح و برنامه‌ای بی‌فایده است...».

• نظام پایش و ارزشیابی کارآمد

در یک نظام برنامه‌ریزی کارکرد نظام پایش و ارزشیابی بسیار مهم است. زیرا از یکسو اطلاعات لازم را - از طریق یک فرآیند بازخوردی کارآمد- فراهم می‌آورد تا به مدیریت توانایی ببخشد که وسایل مناسب اجرای طرح را برگزیند و از سوی دیگر، ضعف‌های اجرایی طرح را آشکار می‌کند و مشکلاتی را که در مرحله برنامه ریزی پیش بینی نشده بود را می‌شناساند و به یافتن راه حل‌های آنها یاری می‌رساند (ماتور، ۱۳۶۶: ۱۵). بنابراین، نبود پایش هم امکان انحراف برنامه در حین اجرا را چند برابر می‌کند و هم میزان دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده آن را به شدت کاهش می‌دهد. در این ارتباط، مشارکت‌کننده‌ای ۵۳ ساله‌ای چنین اظهار داشت:

«... در زمان اجرای طرح‌ها در روستاها پایش روی کارها ضعیف بود یا نبود. باید پایش روی کارها بهتر بشه...»

با توجه به مطالب مطرح شده، می‌توان گفت که برانگیختن امر پایش و ارزشیابی تهیه و اجرای برنامه‌ها از الزامات کارآمدی راهبردهای توسعه در نواحی روستایی است. هدف از این اقدام، تقویت ساختارهای جهت دهنده برای جلوگیری از اتلاف منابع و کاهش سرمایه اجتماعی است. این یافته با مطالعه سجادی و متقی (۱۳۹۳)؛ عبادی و رضائی (۱۳۹۷) همخوانی دارد.

• بکارگیری نیروی انسانی متخصص

امروزه سازمان‌ها در رابطه با نیروی انسانی خود با چالش‌های زیادی مواجه هستند. صاحب‌نظران منابع انسانی معتقد هستند که بقا و پایداری سازمان‌ها در گرو فرآیندهای شناسایی، جذب و نگهداری نیروهایی است که شایسته بوده و بدنه شایستگی‌های اصلی سازمان را تشکیل دهند (Berger, 2004: 4). از این رو، بکارگیری نیروی انسانی متخصص که در تمام بخش‌ها از مهم‌ترین ارکان توسعه، بهره‌وری، برنامه‌ریزی و امنیت اداری - سازمانی است، به طور صحیح در سازمان‌ها و نهادهای مورد توجه قرار نمی‌گیرد. بر اساس اظهارات مشارکت‌کنندگان پژوهش در کشور ایران، با وجود دارا بودن نیروی متخصص، در بکارگیری آن‌ها که عاملی مؤثر بر کارایی برنامه‌های توسعه و برنامه‌ریزی است، ضعف وجود دارد و عملاً از شیوه‌ها و روش‌های سنتی استفاده می‌شود. مشارکت‌کننده‌ای که خود را از کارشناسان فرمانداری نظرآباد معرفی می‌کند در این خصوص چنین بیان می‌دارد.

اجرا و حتی برنامه‌ریزی به نخبگان محلی اعتماد کنند و آن‌ها را در تهیه طرح‌ها و برنامه‌ها مشارکت دهند. اگر مردم مشارکت داده شوند در حفظ آن نیز می‌کوشند. ...»

اختلاف دیدگاه‌های مقام برنامه‌ریزی و اجرایی باعث می‌شود نظرات کارشناسی و تجربه صاحب‌نظران برای تهیه و تنظیم یک برنامه توسعه تجمیع نشود و به بیان دیگر «سرمایه اجتماعی لازم» برای به‌ثمر رسیدن آن فراهم نشود.

• هماهنگی در ساختار سیاسی و اجتماعی دولتهای روی کارآمده

برنامه‌های توسعه نقش مهمی در پیشرفت جوامع دارند تا بدانجا که مروری بر تجربه کشورهای توسعه‌یافته، گویای آن است که یکی از الزامات دستیابی به توسعه، برنامه ریزی منسجم، هدفمند و پایدار است که فارغ از هر گونه مسائل سیاسی، حاشیه‌ای و همچنین تغییر دولت‌ها، بستر مناسب برای نیل به توسعه را ایجاد کند (صمدیان و سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۶) و به تبعیت از آن، مجال تغییر در ساختارهای روستایی فراهم شود. این در حالی است که، هر یک از دولت‌های روی کار آمده در تهیه و اجرای برنامه‌ها عقاید سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاص خود را اتخاذ کرده‌اند. جهت‌گیری‌های متفاوت دولت‌ها برنامه‌های توسعه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. بر اساس گزارش ارائه شده از سوی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، این اختلاف نظرها در دولت‌های مختلف سبب شده آن‌ها خوانش‌های متفاوتی را از سنجه‌های شناخته‌شده و مشخصی چون میزان تورم، بیکاری، قدرت خرید مردم، رفاه و نظایر اینها که حتی تعاریف استاندارد و جهانی دارند، ارائه کنند. موارد وضعیت سبب شده است که بین برنامه‌های مختلف توسعه ارتباط روشنی وجود نداشته باشد. این مسئله نه تنها در سطح ملی، بلکه در سطح محلی - عرصه‌های روستایی - موجب شده است آنچه در عمل اتفاق می‌افتد با اهداف برنامه‌های توسعه همخوانی نداشته باشد. در این زمینه مشارکت‌کننده‌ای با تحصیلات لیسانس چنین بیان می‌دارد:

«... وقتی دولت عوض شد، تند تند کارمندا عوض میشن و مسئولیت‌ها تغییر میکنه، ثبات ندارند. نیروها رو خیلی سریع تغییر میدن. با تغییر مکرر سیاست‌ها با استقرار دولت بعدی، تصمیمات شتاب‌زده می‌گیرند... با این اوضاع انتظار داریم روستاها توسعه پیدا کنه. این فقط مال روستا نیست، مربوط به همه جاست حتی شهرهای بزرگ... نباید عوض شدن دولت باعث بشه که طرح‌ها و برنامه‌ها تغییر کنند، یکسری هدفها و اصول باید در هر دولتی ثابت باشه...».

باید بین نظام برنامه‌ریزی کشور و ساختار سیاسی - اجتماعی دولت‌های روی کار آمده، هماهنگی لازم ایجاد گردد. بدین معنی که با تغییر دولت‌ها راهبردهای توسعه تغییر نکرده، از مسیر اصلی خود منحرف نشود.

با توجه به مقوله‌های محوری، مقوله «نظام برنامه‌ریزی منسجم و پایدار برنامه‌های توسعه»، به‌عنوان مقوله هسته انتخاب شده است (جدول ۴). بر اساس گزاره نظری پژوهش (مقوله هسته)، مشارکت‌کنندگان پژوهش نظام برنامه‌ریزی توسعه را پدیده‌ای می‌دانند که فرصت‌های اقتصادی روستاهای کشور در راستای رفع تنگناها و مقابله با تهدیدهای پیش رو مبتنی بر آینده پژوهی باشد.

جدول ۴. مقوله‌های عمده و مقوله هسته

مقوله هسته	مقوله‌های محوری
نظام برنامه‌ریزی منسجم و پایدار در برنامه‌های توسعه	نظام تأمین و رفاه اجتماع محلی
	تقویت زیرساختهای حیاتی
	ظرفیت‌سازی نهادی - مدیریتی
	نظام پایش و ارزشیابی کارآمد
	بکارگیری نیروی انسانی متخصص
	ارتقاء سرمایه اجتماعی
	هماهنگی در ساختار سیاسی و اجتماعی دولتهای روی کار آمده

منبع: گروه پژوهش، ۱۳۹۹.

شکل ۲، در قالب یک مدل پارادایمیک سعی دارد با تکیه بر درک مطلعین نواحی روستایی و کارشناسان مرتبط، عوامل تأثیرگذار بر کارآمدی راهبردهای توسعه برنامه پنجم در حل چالش‌های روستایی را نشان می‌دهد.

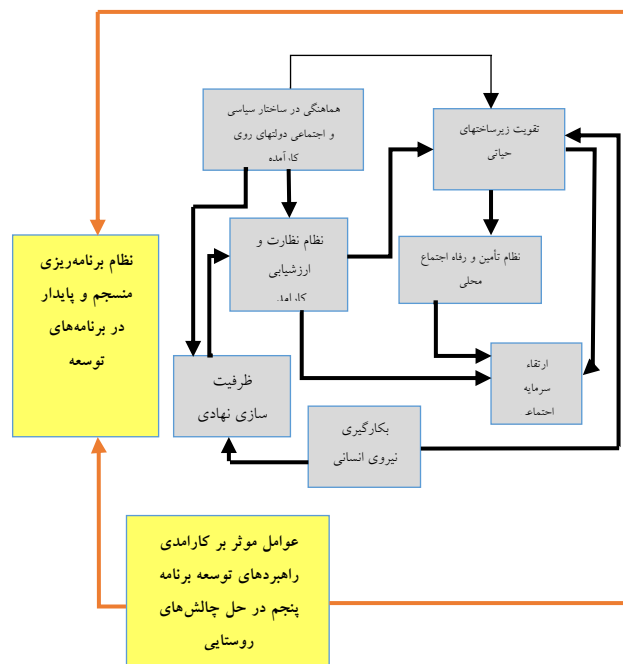
بر این اساس می‌توان گفت: کارآمدی راهبردهای برنامه پنجم توسعه در حل چالش‌های روستایی تحت تأثیر یک سری شرایط خاصی بوده است. این شرایط در سه دسته طبقه‌بندی شده‌اند که عبارت‌اند از شرایط علی (تقویت زیرساختهای حیاتی)، شرایط بستر (هماهنگی در ساختار سیاسی و اجتماعی دولت‌های روی کار آمده و ارتقاء سرمایه اجتماعی) و شرایط مداخله‌ای (نظام تأمین و رفاه اجتماع محلی، ظرفیت سازی نهادی - مدیریتی، نظام پایش و ارزشیابی کارآمد، بکارگیری نیروی انسانی متخصص). این شرایط به طور کلی، در امتداد با یکدیگر باعث می‌شوند تا راهبردهای توسعه در حل چالش‌های روستایی کارآمد شود. با این پدیده، سیاست‌گذاران در برابر آن تعاملات خاصی را انجام داده و استراتژی خاصی را اتخاذ می‌کنند. عدم توجه به این عوامل در ناحیه نظریات سبب شده است تا راهبردهای توسعه روستایی در عمل از کارآمدی لازم برای ایجاد تحول مثبت نداشته باشد.

طول پنج سال در شهرستان نظرآباد، دستاوردهای مثبت (به‌ویژه در حوزه عمرانی - زیرساختی) داشته است؛ ولی در توسعه یکپارچه و هماهنگ روستایی ناموفق عمل کرده و نتوانسته است پیوندهای بین توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی را تقویت کرده و اطمینان حاصل کند که توسعه نواحی روستایی گسترش پیدا کرده است. نظام تأمین و رفاه اجتماع محلی، تقویت زیر ساخت‌های حیاتی، ظرفیت سازی نهادی - مدیریتی، نظام پایش و ارزشیابی کارآمد، بکارگیری نیروی انسانی متخصص، ارتقاء سرمایه اجتماعی، هماهنگی در ساختار سیاسی و اجتماعی دولت‌های روی کار آمده از جمله عواملی هستند که به علت ویژگی نامناسب شان زمینه‌ساز چنین شرایطی در روستاها شده اند. این نتیجه با نتایج پژوهش افتخاری (۱۳۸۹)، رضوانی (۱۳۸۱) ابراهیم بای سلامی (۱۳۸۸)، محمد تقی (۱۳۷۸) و سعیدی و رستگار (۱۳۸۸) همسو است.

کارآمدی راهبردهای توسعه برنامه پنجم در حل مسائل روستایی به یک عامل وابسته نیست، بلکه از عوامل گوناگونی تأثیر می‌پذیرد که برای کارآمدی راهبردهای توسعه باید به همه آنها توجه داشت.

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهای زیر ارایه می‌شود:

- طراحی و راه‌اندازی نظام مدیریت یکپارچه روستایی؛
- طراحی و اجرای نظام پایش و ارزشیابی توسعه روستایی کشور؛
- تشکل سازی مردمی و نقش‌پذیری در روند توسعه روستاهای کشور.



شکل ۲. مدل زمینه‌ای عوامل مؤثر بر کارآمدی راهبردهای توسعه برنامه پنجم در توسعه روستایی قلمرو مورد مطالعه
منبع: گروه پژوهش، ۱۳۹۹.

بحث و نتیجه‌گیری

راهبردهای برنامه پنجم توسعه در قالب طرح‌ها و پروژه‌ها اگر چه در

References

- Afarakhte, H. (2007). An introduction to the planning of rural settlements, Tehran: Ganj Honar Publications, first edition. (In Persian)
- Amani, M., Azizpour, f., Tahmasebi, a., Afrakhteh, h. & darabi, h. (2019). An analysis of rural development policies in the sixth five-year plan of social, cultural and economic development of Iran, Rural Research Quarterly. 11 (1), (25-35). (In Persian). <http://dx.doi.org/10.22059/jrur.2019.285969.1384>
- Berger, L. A. (2004). Four steps to creating a talent management system, in Berger, L.A. & Berger, D.R. (Editors.) Talent Management Handbook, Creating Organizational Excellence by Identifying, Developing, and Promoting Your Best People, New York: McGraw-Hill.
- Ebrahim Bai Salami, Gh. (1388). Examining the theoretical models of Iran's development policies and programs on the eve of the fifth development plan, political and economic information. 23(9), (168-181). (In Persian).
- Ghaffari, Gh. & Omid Reza (2007). Quality of life in Iran's construction and development programs, social welfare. 8(30 and 31), (9-33). (In Persian).
- Hosseini Nejad, S. & Ekhmanian, M. (2004). Evaluating the performance of development programs on poverty reduction using the "Random Dominance" method, Economic Research and Policy Quarterly. 13(36), (33-36). (In Persian). <http://qjerp.ir/article-1-297-fa.html>.
- Jomapour, M. (1384). An introduction to rural development planning, perspectives and methods, Tehran: Samit Publications. (In Persian).

- Maleki Far, A. (2015). Al-Fabay Future Research, Tehran: Industry and Technology Think Tank (ASAF), Defense Industries Educational and Research Institute, Defense Science and Technology Future Research Center. (In Persian).
- Mokhbar, A. (1378). Planning at the local level and rural development: alternative strategies, Tehran: Ministry of Planning and Budget, Planning and Evaluation Deputy, Technical Documentation Center and Central Library. (In Persian).
- Momeni, Farshad & Amini Milani, Mino (2012). Quality of life and sustainable development in Iran's development programs with Amartiasen's approach, economic policy making. 3(5), (35-64). (In Persian). <http://dx.doi.org/0.1001.1.26453967.1390.3.5.2.9>
- Motiei Langroudi, H (2012). Rural planning with an emphasis on Iran, Tehran, Mashhad: Jihad University Press. (In Persian).
- Nasiri, M. & Abedini Rad, A. (2019). Investigating the position of rural development in the fifth development plan, the 11th Congress of Iranian Geographers, Tehran. (In Persian). <https://civilica.com/doc/>
- Roknoddin Eftekhari, A. (1389). Criticism of the position of rural development in the proposed bill of the fifth development program of the Islamic Republic of Iran, Economy Society. 7 (23 and 24), (1-19). (In Persian).
- Sadeghi Shabhani, M., Kamijani, A., Zahedi Wafa, M. & Ghafarid, M. (2011). Investigating the impact of financial decentralization on the growth and distribution of income in different regions of Iran, Economic Research Journal. 12(47), (122-97). (In Persian).
- Saidi, A. (1388). Basics of rural geography, Tehran: Side Publications. (In Persian).
- Saidi, A. & Rastgar, E. (2008). The effectiveness of construction plans and projects in socio-economic development, geography (Geographic Association of Iran). 7 (22), (47-63). (In Persian).
- Shaghghi, V. (2017). Evaluation of the country's five-year development plans from the point of view of the realization of the economic goals of the vision document, parliament and strategy. 25 (94), (209-238). (In Persian).
- Torre A., Wallet F. (2016). Regional Development in Rural Areas. Analytical tools and public policies, Springer Briefs in Regional Science, Springer, 110 p.